



0141.

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران  
تهیه درک

۳۰ / ۱۰ / ۱۳۸۲

دانشکده اصول الدین

شعبه تهران

بیان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

موضوع:

۳۰ / ۱۰ / ۱۳۸۲ بررسی عقل و عشق در قرآن و روایات

استاد راهنما:

دکتر منصور پهلوان

استاد مشاور:

دکتر مجید معارف

نگارش:

ندا حریری

پیم سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱

الف

۸۸۴۱۵

## باسپاس از:

همه آموزگارانی که در پرورش آگاهی و استعدادم  
کوشیده‌اند و همه اساتیدی که در این راه مرا یاری  
کرده‌اند و خصوصاً از زحمات و راهنمایی‌های اساتید  
بزرگوام جناب آقای دکتر پهلوان و جناب آقای دکتر  
معارف بسیار سپاسگزارم.

و نیز از همه کسانی که مرا در انجام این کاریاری دادند و  
با همراهِشان، پیمودن این مسیر را برایم هموار کردند،  
صمیمانه سپاسگزارم.

از خدای بزرگ می‌خواهم که رحمت خود را شامل  
حال همه آنها گرداند و اجر مضاعف بر تلاش هر یک از  
این عزیزان عنایت کند.

## تقدیم به

منجی بشریت و هادی و مهدی عصر (عج)

یا ایها العزیز... جئنا ببضاعة مزجیة فاوف لنا الکیل

و تقدیم به پدر و مادر عزیزم که برای به ثمر رساندن بذر  
وجودم تلاش فراوان کرده‌اند، اجرشان محفوظ و  
سعیشان مشکور

و تقدیم به همسر مهربان و دلسوزم که همواره در زندگی  
پشتیبان و حامی من بوده است

و تقدیم به دختر نازنین و کوچکم که امیدوارم به خاطر  
انجام این کار، در بجا آوردن وظایف مادریم در حق او  
کوتاهی نکرده باشم.

## فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۶	بخش اول: بررسی عقل
۷	فصل اول: عقل از نظر لغوی
۱۰	مترادفات عقل از نظر لغوی
۱۲	فصل دوم: عقل از نظر اصطلاحی
۱۲	۱- معانی اصطلاحی عقل به طور عام
۱۴	مترادفات عقل از نظر اصطلاحی
۱۶	۲- معانی اصطلاحی و کاربردهای عقل در مکاتب فکری
۱۶	الف - معانی عقل و کاربردهای آن در فلسفه
۱۷	جایگاه عقل در فلسفه
۱۸	ب - عقل در عرفان
۲۴	نتیجه گیری و خلاصه مبحث عقل در عرفان
۲۵	فصل سوم: عقل در قرآن کریم
۲۵	۱- کاربرد عقل در قرآن

۲۶	۲- معنای عقل در اصطلاح قرآن.....
۲۶	الف - رابطه عقل و قلب.....
۲۹	ب - لب و فؤاد.....
۳۰	ج - رابطه درک حقیقت و اعمال انسان (عقل و عمل).....
۳۲	د - عقل و مترادفات آن.....
۳۴	نتیجه‌گیری معنای عقل در قرآن.....
۳۴	۳- اندیشمندان و صاحبان عقل در قرآن.....
۳۴	الف - ویژگیهای صاحبان خرد و اندیشمندان در قرآن.....
۳۶	جمع‌بندی صفات اولوا الالباب.....
۳۶	ب - فرجام اندیشمندان از دیدگاه قرآن.....
۳۷	۴- ویژگیها و فرجام جاهلان از نظر قرآن.....
۳۷	الف - نام و ویژگیهای جاهلان در قرآن.....
۴۰	ب - سرزنش خداوند نسبت به کسانی که نمی‌اندیشند.....
۴۲	ج - فرجام جاهلان.....
۴۴	۵- موارد دعوت به اندیشه در قرآن.....
۴۴	الف - خطاب به عموم مردم.....
۴۸	ب - آیاتی که مخاطب آنها اولوا الالباب هستند.....
۵۰	خلاصه مبحث «عقل در قرآن کریم».....
۵۲	فصل چهارم: عقل در روایات.....
۶۱	جمع‌بندی روایات مربوط به مبحث «عقل».....

۶۲	بخش دوم: بررسی عشق.....
۶۳	مدخلی بر بخش.....
۶۴	فصل اول: عشق و مترادفات آن از نظر لغوی.....
۷۰	فصل دوم: معانی عشق از نظر اصطلاحی.....
۷۰	۱- معنای عشق به طور عام.....
۷۱	۲- عشق از دیدگاه عرفا.....
۷۲	۳- عشق از دیدگاه فلاسفه.....
۷۵	فصل سوم: مترادفات عشق در قرآن کریم.....
۷۶	۱- آیات راجع به محبت پروردگار نسبت به انسان.....
۷۹	۲- آیات راجع به محبت انسان نسبت به پروردگار.....
۸۱	۳- آیات راجع به محبت‌های انسانی.....
۸۳	خلاصه مبحث مترادفات عشق در قرآن کریم.....
۸۵	فصل چهارم: عشق و مترادفات آن در روایات و ادعیه.....
۸۵	۱- عشق در روایات.....
۸۸	۲- مترادفات عشق در روایات.....
۹۳	۳- عشق در ادعیه.....
۹۵	جمع‌بندی روایات و ادعیه در مورد عشق.....
۹۶	بخش سوم: جمع بین عقل و عشق.....
۹۷	مدخلی بر بخش.....
۹۹	فصل اول: جمع بین عقل و عشق براساس قرآن و روایات.....
۹۹	۱- مروری بر معانی عقل و عشق در قرآن و روایات.....

۱۰۱	۲- موارد تضاد عقل و عشق.....
۱۰۳	۳- اتحاد عقل و عشق براساس جایگاه مشترک.....
۱۰۴	۴- سیر تکاملی معرفت عقلی به سوی ایمان و محبت الهی.....
۱۰۴	الف - رابطه عقل و ایمان.....
۱۰۶	ب - رابطه ایمان و محبت الهی.....
۱۰۷	ج - رابطه معرفت عقلی و محبت الهی.....
۱۰۸	د - نمونه‌های عملی برخوردار از هر دو بعد عقل و عشق.....
۱۱۳	فصل دوم: بررسی سیر تاریخی عقل و عشق.....
۱۱۴	۱- فلسفه (مکتب عقلیون).....
۱۱۴	الف - تاریخچه پیدایش فلسفه و مبانی آن.....
۱۱۵	ب - مشائیون و اشراقیون و دو راه عقل و عشق.....
۱۱۸	۲- عرفان (مکتب عشق).....
۱۱۸	الف - تاریخچه پیدایش عرفان و مبانی آن.....
۱۱۹	ب - جایگاه عقل و عشق در عرفان.....
۱۲۱	ج - دلایل مخالفت عرفا با عقل.....
۱۲۱	۱- آفات عقل.....
۱۲۵	۲- ادغام مفاهیم دیگر با مفهوم حقیقی عقل.....
۱۲۷	۳- مخالفت با پرداختن به عقل جزئی بدون توجه به تزکیه باطنی.....
۱۲۸	۴- تقسیم دین به سه مرحله شریعت و طریقت و حقیقت.....
۱۳۰	نتیجه‌گیری و خلاصه بحث.....
۱۳۲	فهرست منابع.....



## چکیده

انسان موجودی است دارای ابعاد گوناگون که عقل و احساس از مهمترین ابعاد وجودی او محسوب می‌شوند. عقل حقیقی اندیشه‌ای است که خاصیت آن بازدارندگی از بدیها و راهنمایی به سوی خوبیهاست و همسوی با فطرت و وجدان انسان کار می‌کند و عشق (محبت الهی) نماد برترین رابطه عاطفی و احساسی انسان است که بین او و خالقش شکل می‌گیرد و جایگاه اصلی هر دو این ادراکات، قلب است.

هر چند در طول تاریخ، نظرات مختلفی در مورد این دو بعد وجودی انسان ابراز شده و گاه انسان به صورت تک بعدی در نظر گرفته شده است، اما از نظر قرآن کریم و روایات بین ابعاد وجودی انسان هماهنگی کامل وجود دارد و توجه به یک بعد وجودی انسان، منافاتی با پرداختن به ابعاد دیگر او ندارد و لازم است برای درک درست حقیقت از تمام ابزارهای شناختی که در انسان به امانت گذاشته شده است، استفاده شود و پس از آن نیز باید برای نیل به مقصود از تمام نیروهای درونی خود، بهره‌مند شد.

## مقدمه

سپاس و حمد بی حدّ معبودی را که انسان را آفرید و در سرشت او نور و ظلمت را به هم آمیخت و چراغدان قلبش را روشنی بخش و جودش کرد و عقل و عشق را نور این مشکاة ساخت.

و سلام و درود بر حبیب خدا و فرستاده او که نور و جودش روشنائی بخش عالم گشت و سلام و درود بر همه خاندان پر فروغش.

انسان همواره در جستجوی راهی است تا فطرت خداجوی او را ارضا کند و در شناخت حقیقت و وصول آن یاریش دهد و پیوسته این سؤال مطرح است که بهترین راه رسیدن به حقیقت چیست و کدامین طریق نزدیکترین راه و بهترین مسیر است؟ آیا باید از نیروی عقل کمک گرفت تا به شناخت کافی رسید و براساس آن عمل کرد و یا باید براساس دل و تصفیة درونی حرکت کرد تا به مقصود رسید و آیا این دو راه قابل جمعند و یا دو راه متضاد به شمار می روند؟ آیا برترین کمال انسان درک حقیقت براساس نیروی عقل و آموختن علم و دانش است و یا این علم حجاب اوست و باید در پی کسب محبت الهی از طریق باطن و شهود درونی بود. و به طور کلی آیا بین نیروهای درونی انسان تضادی وجود دارد و عقل و احساس دو نیروی متضاد به شمار می روند و یا اینکه می توانند هر دو یاری رسان انسان در نیل به حقیقت باشند؟ این سؤالات و سؤالاتی شبیه به آن انگیزه نگارش این اثر بوده است.

به طور کلی مبحث عقل و عشق که البته عشق در آن نماد محبت الهی و سلوک قلبی است، در طول تاریخ زمینه ساز اختلاف نظر و بحث های گسترده ای بوده است. و از آنجا که این بحث زمینه ساز اتخاذ راهکارهای

عملی و کاربردی در زندگی انسان است، مشاهده می‌شود افراد براساس دیدگاهشان در این مورد، راه عملی و طریق فکری خود را برگزیده‌اند و در این راستا مکتب‌های متنوعی به وجود آمده است که عرفان و فلسفه از جمله مهمترین این مکاتب می‌باشند. در فلسفه و به خصوص فلسفه مشاء مهمترین عامل معرفت عقل است و در عرفان، قلب و سلوک باطنی که منتها درجه آن عشق به خداوند جلال و جمیل است، مهمترین عامل معرفت محسوب می‌شود. در این مکاتب غیر از اینکه هر مکتبی شیوه سلوک خاص خود را برگزیده است گاه شیوه‌های دیگر نفی شده و ناکارآمد توصیف شده است. مثلاً گاهی در فلسفه، توجه به معرفت قلبی و تزکیه درونی برای نیل به مقصود کم‌اهمیت تلقی شده و در عرفان نیز کارایی عقل برای رساندن انسان به حقیقت مورد تردید واقع شده است. البته گاهی نیز برخی افراد سعی در جمع بین این دو طریق کرده‌اند مانند حکمای اشراق چون شیخ شهاب‌الدین سهروردی. لذا هدف اصلی در این اثر این است که به اهمیت معرفت عقلی و محبت الهی از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته شود و رابطه این دو مفهوم با یکدیگر روشن شود تا ابهامات موجود در این زمینه که غالباً در حوزه‌های دیگری غیر از حوزه مربوط به مباحث تفسیری و روایی وجود دارد، تا حد امکان برطرف گردد.

لازم به ذکر است که مقصود از واژه عشق در عنوان این اثر، اولاً نمادی از برترین رابطه قلبی بین انسان و خالق اوست و به عبارت دیگر در معنای «حُبِّ فی اللّهِ» می‌باشد و ثانیاً هنگامی که در کنار واژه عقل بکار برده می‌شود، اراده نوعی معرفت قلبی از آن نیز می‌گردد که مبتنی بر دریافت درونی و شهود قلبی است و اگر چه شاید واژگان دیگری نیز می‌توانست جایگزین آن شود ولی به علت گستردگی کاربرد این واژه در زبان فارسی و دربرگرفتن معنای ثانویه و تعینی در طول زمان، برای بیان مفاهیم فوق از این واژه استفاده شد.

مقصود از عقل نیز برترین درجه عقل و به تعبیر مفهوم قرآنی آن، عقلی است که دعوت‌کننده به خوبیها و بازدارنده از بدیها می‌باشد.

با توجه به اینکه این مباحث عمدتاً در حوزه‌های دیگر چون فلسفه و علی‌الخصوص عرفان مطرح بوده است کتابی با این عنوان که مفاهیم مذکور را صرفاً از دیدگاه قرآن و روایات بررسی کند یافت نشد. اما کتب

عرفانی با این عنوان مانند کتاب «عقل و عشق» اثر نجم‌الدین رازی و کتاب «مناظرات خمس» از صائِن‌الدین علی ترکه، در این موضوع نوشته شده است.

برای نوشتن این اثر، ابتدا مفاهیم «عقل» و «عشق» و مطالب مربوط به آنها به طور جداگانه از کتب لغوی و تفسیری و روایی و... استخراج گردید و در دو بخش نوشته شد. اهم کتبی که در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

برای بررسی لغوی از کتابهای «العین» و «لسان العرب» و «معجم مقاییس اللغة» و «معجم الوسیط» و... استفاده شده است.

برای بررسی معانی اصطلاحی این مفاهیم، از کتبی چون «مجمع البحرین»، «مفردات راغب»، «فرهنگ علوم عقلی»، «فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی» و «عقل و عاقل و معقول» و... استفاده شده است.

برای بررسی تفسیری مهمترین تفسیر، «تفسیر المیزان» بوده است و در کنار آن از تفاسیر دیگری چون «التیان»، «الکاشف» و... استفاده شده است. البته در بسیاری موارد، آیات قرآن خود کاملاً روشن و رسا بوده و نیازی به بررسی تفسیر مشروح آیات نبوده است.

برای بررسی این مفاهیم در روایات نیز از کتبی چون «اصول کافی»، «تحف العقول»، «بحار الانوار»، «نهج البلاغه» و... استفاده شده است.

بعد از آنکه هر یک از مفاهیم «عقل» و «عشق» و مفاهیم مربوط به آنها به طور جداگانه مورد بررسی لغوی و اصطلاحی و قرآنی و روایی قرار گرفت به رابطه این دو مفهوم از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته شد و در کنار آن سیر تاریخی تعامل این دو مفهوم نیز مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور در قسمت اول بخش سوم، از قرآن و تفاسیر و کتب روایی استفاده شد که به اهم آنها اشاره گردید و برای قسمت دوم نیز از کتب فلسفی و عرفانی و کتابهای مربوط به آنها استفاده گردید که برخی از آنها عبارتند از: «حکمة الاشراق»، «عقل و عشق»، «عشق صوفیانه»، «جدال تاریخی عقل و عشق» و «الاشارات و التنبیها».

به طور خلاصه مهمترین عناوین این رساله عبارتند از:

بخش اول: بررسی عقل، که در این بخش، معنا و مفهوم «عقل» از نظر لغوی و اصطلاحی و تفسیری و روایی مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم: بررسی عشق، که این مفهوم نیز از جهات مذکور مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش سوم: جمع بین عقل و عشق، که در این بخش براساس آیات و روایات، استدلالاتی در زمینه قابلیت جمع این دو مفهوم و رابطه آنها با یکدیگر ارائه شده است و از نظر سیر تاریخی و اختلاف نظرهای موجود و دلایل آن اختلاف نظرها نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در این کتاب گاهی از علائم اختصاری نیز استفاده شده است، مانند: ب: یعنی بیت و ر.ک: یعنی رجوع کنید. نحوه نگارش جلد و شماره صفحه نیز بدین ترتیب است که در پاورقی در سمت راست علامت «/» شماره جلد و در سمت چپ آن شماره صفحه ذکر می‌گردد.

در پایان قابل ذکر است که برای خود مؤلف بررسی این موضوع بسیار مفید بوده است و پس از این مطالعات احساس آرامشی درونی ناشی از روشن شدن حقیقت می‌کنم و الهام این موضوع را به ذهن خود لطفی از جانب خداوند می‌دانم و او را به خاطر این مرحمت بسیار شاکر و سپاسگزارم. و نیز از تمام کسانی که مرا در این مدت یاری داده‌اند و از نظر فکری و عملی و روحی همراهی کرده‌اند، بسیار سپاسگزارم.

امید آنکه در پرتو انوار قرآن و عنایت معصومین (ع)، از عقلی راستین و عشقی حقیقی بهره‌مند گردیم و در زمره اولواالالبابی که محبت الهی را به ارث می‌برند، درآییم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

# بخش اوّل:

## بررسی عقل

عقل از نظر لغوی

عقل از نظر اصطلاحی

عقل در قرآن کریم

عقل در روایات

## فصل اوّل عقل از نظر لغوی

معنای اصلی ریشه (ع ق ل) دلالت بر محبوس کردن و بازداشتن می‌کند، چنان که در معجم مقاییس اللغة آمده است:

«العين و القاف و اللام اصل واحد يدلّ على حبسة في الشيء او ما يقارب الحبسة.»<sup>۱</sup>

عين و قاف و لام اصل واحدی است که دلالت بر بازدارندگی در چیزی می‌کند یا معنایی نزدیک به بازدارندگی.

بنابراین در کلمه عقل نیز معنای باز داشتن و جلوگیری کردن به چشم می‌خورد چنان که در همان کتاب واژه عقل اینگونه معنا شده است:

«العقل: هو الحابس عن زميم القول و الفعل.»<sup>۲</sup>

عقل همان بازدارنده از گفتار و کردار ناشایست است.

و در لسان العرب آمده است:

---

۱ و ۲. ابوالحسین، معجم مقاییس اللغة، ذیل ماده عقل.